امکان استخراج کتابت مصحف از حروف مقطعه بنا بر قول ابوفاخته

روایت در کتاب مبارک توحید صدوق[1] است. حضرت بین عرش و کرسی تفاوت می‌گذارند. در مورد عرش می‌گویند علم باطن است. کرسی علم ظاهر است. بعد تا جایی می‌آیند؛ جمله‌ای می‌گویند که علمائی که خواستند تفسیر کنند در آن ماندند. شاید جلسه قبل بود که اشاره کردم. خُب حالا چه؟ ببینید وقتی حضرت می‌خواهند عرش که علم باطن است را ذکر کنند، بعد از اینکه می‌فرمایند «علم الکیفوفیه و ...» یک دفعه می‌فرمایند: «وعلم الألفاظ والحركات والترك».

این احتمال ضعیف است، اما وقتی کتاب به‌گونه‌ای است که خداوند متعال کتاب خودش را مدیریت می‌کند...؛ روز اول خطی که حضرت آدم علیه‌السلام آوردند چه خطی بوده؟ خط سریانی، عبری، عربی؟ ولی کسی که خدا را قبول داشته باشد می‌گوید خدای روز اول، خدای روز آخر است، خدای نازل کننده قرآن است. اگر می‌خواهد کتاب خودش را نازل کند از قبل بلد است بین بندگانش چند جور خط بگذارد، و کتاب خودش را طبق چه لسان و طبق چه خطی نازل کند. اگر هم ندارد، فعلاً این مصحف در دستش هست بعد که خیلی پیشرفت کرد می‌فهمند. شاید در اینجا عرض کرده‌ام، می‌فرمایند تا سی سال دیگر ابر هوش می‌آید. هوش مصنوعی به قدری پیشرفت کند که دیگر از هوش کل بشر بالا بزند. به تکینگی برسد و ابر هوش بشود. اگر فرض بگیریم آن زمان بیاید تازه اول این است که از همین مصحف شریف با این علوم قرآنی که ممتع شده و همه جوانبش واضح شده، تازه بفهمند که از قرآن چیزی نمی‌دانیم. این مهم است. یعنی آن زمان تازه دم و دستگاه قرآن را می‌فهمند که چه خبر است. بنابراین اگر اصل قرآن کرسی و عرشی داشته باشد، علم الالفاظ و الحرکات و التَرک، مناسبت مهمه ای در این فضا داشته باشد، باید نگاه مهمی به حرف ابوفاخته کنیم. «منها یستخرج القرآن»؛ یعنی از «الم» چه چیزی سوره بقره استخراج می‌شود؟ این حروف که می نویسید؟! خُب بعد از «ضربا» الف بگذاریم نگذاریم؟! از «الم» می‌توانیم این الف بعد از واو را در بیاوریم ای نه؟ وقتی می‌خواهید صلاة بنویسید استخراج می‌کنید که با واو بنویسید؟! ای صلات را با الف می‌نویسید؟! در همین سوره مبارکه به «وصّی» و «اوصی» می‌رسیم، این حرف از حروف مقطعه در می‌آیند ای قرائتش در می‌آید؟! اگر قرائت در می‌آید حروف را به چه رسم و نماد کتبی می‌خواهید در بیاورید؟! خود همین که ایشان گرا داده، ببینید چقدر فکر دارد. یعنی «کیف یستخرج؟»، «ایّ‌شأن من سورة البقرة یستخرج؟»؛ خطش؟ لفظش؟ معنایش؟ چه چیزی از آن؟! ولذا وقتی باب العرش و الکرسی می‌شود علم باطن مهمی می‌شود، اهمیت اینها و فکر در اینها چندبرابر می‌شود.

شاگرد: علم حروف برآمده از این نگاه است یا اینکه مرتبط با آن است؟

استاد: علم حروف یکی از شعب استخراج است. قبلاً صحبت شد. همان وقت هایی که تازه دیده بودیم، چند جلسه راجع به این صحبت کردیم. استخراج روش‌ها و متدهایی دارد. یک جور نیست.

استخراج های مختلفی هست. یکی از انواع استخراج، استخراج مصحف حضرت صدیقه است. یکی از انواعش علم جفر است. یکی از انواعش همین سامانده‌ی علوم غریبه و حروف است.

شاگرد2: همه وجوه قرائات را می‌توان با هم خواند؟ در بعضی از وجوه منع هست که با هم خوانده شوند.

استاد: در النشر ابن جزری همین را مطرح کرده است که آیا می‌توان جمع کرد یا نه. در نماز که بعضی هایش می‌شود.

شاگرد2: سؤال من نسبت به فضای ذهنی سید است که اینطور بوده، آیا نسبت به این هم فضایی بوده؟

استاد: که جمع کنند؟

شاگرد: بله.

استاد: نه، برای آن ها افراد القرائه جا افتاده بوده.

شاگرد: نه اینکه جمع کنند، مثلاً «ملک» را با سین بخوانند و یا با صاد بخوانند.

استاد: به نظرم شهید ثانی در المقاصد العلیه دارند. فرمودهاند جایز است.

شاگرد: جوازش ممکن است اما اینکه نازل هم شده... .

استاد: باید قرائات سبع یا عشر باشد. فعلاً سبع آن را بگوییم. اگر قرائت سبع باشد ملزم نیستیم در نماز حتماً بر روایت حفص مواظبت کنیم. می‌توانیم یکی از آن را از ابوبکر بن شعبه بگیریم یکی از آن‌ها را از عاصم بگیریم. شهید فرمودند قطعاً تعبیر این چنینی داشتند.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] التوّحيد نویسنده : الشيخ الصدوق جلد : ۱ صفحه : ۳۲۱

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژوئن 2024 12:36:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 ژوئن 2024 13:16:16 توسط ... .